

ما، در حالی که ما مشغول ویران کردن غزه هستیم، مشکل پیدا کرده‌اند. کابینه نتانیاهو توانسته حتی روابط ما با ایالات متحده را نیز از مسیر خارج کند. گویی ما منبع جایگزینی برای تسلیحات و حمایت دیپلماتیک داریم؛ نسل جوان در ایالات متحده و در سراسر جهان اکنون اسرائیل را کشوری نژادپرست و خشن می‌دانند که میلیون‌ها نفر را از خانه‌هایشان اخراج می‌کند، کل جمعیت غزه را به گرسنگی واداشته و هزاران غیرنظامی را بدون دلیل و تنها برای انتقام گرفتن، می‌کشد. نتایج این رفتارها نهنتها در روزها و ماه‌های آینده، بلکه برای دهه‌های آینده محسوس خواهد بود. حتی در بدترین لحظات ۷ اکتبر، حماس به شکست اسرائیل نزدیک نشد. اما سیاست ویرانگر دولت نتانیاهو پس از ۷ اکتبر، اسرائیل را در معرض خطر موجودیتی قرار داده است.

▼ سندرم سامسون

شکست کابینه نتانیاهو در طول جنگ تصادفی نیست. این میوه تلخ، حاصل چندین سال اجرای سیاست‌های فاجعه‌بار است. تصمیم برای تحمیل یک فاجعه انسانی به غزه ناشی از ترکیبی از سه عامل بلندمدت بود: عدم حساسیت درباره ارزش جان فلسطینی‌ها، عدم حساسیت نسبت به جایگاه بین‌المللی اسرائیل و نادیده گرفتن این اولویت که نیازهای امنیتی واقعی اسرائیل چیست. نتانیاهو و شرکای سیاسی‌اش برای سال‌ها جهان‌بینی نژادپرستانه‌ای را پروبال دادند که بسیاری از اسرائیلی‌ها را به بی‌اعتنایی به ارزش زندگی فلسطینی‌ها عادت داد. بین قتل عام هاولا در فوریه ۲۰۲۲ و ترازوی انسانی کنونی در غزه یک خط مستقیم وجود دارد. در ۲۶ فوریه ۲۰۲۳، دو شهرکنشین اسرائیلی درحالی که در شهرک هاولا در کرانه باختری در حال رانندگی بودند به قتل رسیدند. برای انتقام، گروهی از شهرکنشینان خانه‌ها، مغازه‌ها و خودروها را در هاولا به آتش کشیدند و ده‌ها غیرنظامی بی‌گناه فلسطینی را مجروح کردند، درحالی که نیروهای امنیتی اسرائیل هیچ کار و یا کمترین کار را برای جلوگیری از این خشونت انجام دادند. کسانی که به سوزاندن کل شهر برای انتقام قتل دو اسرائیلی عادت کرده بودند، می‌دانستند که ویران کردن کل نوار غزه برای انتقام حمله ۷ اکتبر، کاملاً قابل قبول است.

شکی نیست که حماس یک سازمان تروریستی است که در ۷ اکتبر مرتکب جنایات جمعیعی شد. اما اسرائیل باید کشوری دموکراتیک باشد که حتی در صورت مواجهه با چنین جنایاتی همچنان به قوانین بین‌المللی احترام می‌گذارد، از حقوق اولیه بشر محافظت می‌کند و استانداردهای اخلاقی جهانی را رعایت می‌کند. به همین دلیل است که کشورهایمانند ایالات متحده، آلمان و انگلیس پس از ۷ اکتبر در کنار ما ایستادند. البته، کشورهای دموکراتیک حق - اگر نگوئیم وظیفه- دفاع از خود را دارند و در جنگ گاهی اوقات انجام اقدامات بسیار خشونت‌آمیز برای مقابله با تهدید و دستیابی به اهداف سیاسی، ضروری است. اما اینطور به نظر می‌رسد که بسیاری از اقداماتی که



بسیاری از اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۴ از یک اتاقک پژواک گرفتار شده‌اند که در آن به آنها وعده پیروزی داده می‌شود حتی زمانی که در آستانه شکست هستند. چگونه باید این اتاق پژواک را در هم شکست؟ عاقلانه نیست که منتظر بمب اتم باشیم یا خدایی که در رادیو صحبت کند



اسرائیل بعد از حمله هفتم اکتبر انجام داد با انگیزه انتقام انجام شده؛ آن‌هم به این امید که صدها هزار فلسطینی مجبور شوند که برای همیشه نوار غزه را ترک کنند.

برای سال‌ها، نتانیاهو و متحدانش جهان‌بینی غرورآفرینی را پرورش دادند که بسیاری از اسرائیلی‌ها را بر آن داشت که باور کنند اهمیت روابط ما با دموکراسی‌های غربی چندان هم حیاتی نیست. در یکی از کمپین‌های انتخاباتی اخیر، پوسترهای بزرگ کنار جاده‌ای را که روی آن نوشته شده بود «رهبری از حزبی متفاوت» دیدم. بر روی این پوسترها نتانیاهو در حال لبخند زدن و دست دادن با ولادیمیر پوتین بود. وقتی نفر اول اسرائیل دوستان جدیدی در مسکو و بوداپست دارد، دیگر به واشنگتن و برلین چه نیازی دارد؟ و اگر پوتین دوست جدید ماست، چرا ما مثل پوتین رفتار نکنیم؟ حتی امروز اسرائیلی‌هایی هستند که با حسرت به نحوه رفتار پوتین می‌نگرند و فکر می‌کنند اسرائیل باید از او بیاموزد. نیازی به گفتن نیست که پس از ۷ اکتبر پوتین از پشت به نتانیاهو خنجر زد و ویکتور اوربان به خود زحمتی برای دیدار با نتانیاهو نداد. این لیبرال‌ها در واشنگتن و برلین بودند که به کمک اسرائیل شتافتند. اما شاید صرفاً به دلیل اینرسی‌ای است که نتانیاهو مدام دست‌هایی که به ما غذا می‌دهند را گاز می‌گیرد. عمیق‌تر شدن انزوای بین‌المللی اسرائیل و نفرتی که نسبت به اسرائیل در میان دانشگاهیان، هنرمندان و جوانان ابراز می‌شود، تنها محصول تبلیغات حماس نیست، بلکه محصول اولویت‌های انحرافی نتانیاهو در ۱۵ سال گذشته است.

سال‌هاست که نتانیاهو و شرکای سیاسی‌اش برنامه‌ای را شکل داده‌اند که نهنتها اهمیت اتحاد ما با دموکراسی‌های غربی، بلکه عمیق‌ترین نیازهای امنیتی اسرائیل را نیز نادیده می‌گرفت. در مورد آنچه منجر به فاجعه ۷ اکتبر شد، مطالب زیادی نوشته شده است و بسیار بیشتر نوشته خواهد شد. بدون شک یک نخست‌وزیر نمی‌تواند مسئول همه جزئیات باشد. اما یک نخست‌وزیر مسئول مهم‌ترین چیز است و آن شکل دادن به اولویت‌های کشور است. اما اولویت‌های انتخابی نتانیاهو فاجعه‌آمیز بود. او و شرکایش ترجیح دادند به جای تأمین امنیت مرزهای خود، اشغال را تحکیم کنند، به‌طوری‌که همان نتانیاهو که سال‌ها ثابت کرد قادر به تخلیه یک شهرک غیرقانونی اسرائیل در اراضی اشغالی نیست، اخیراً در یک روز مجبور شد شهرک‌های اسرائیلی سدیروت در جنوب و کریات شومونا در شمال را با ده‌ها هزار نفر سکنه، از ترس حملات تخلیه کند.

بدتر از آن، زمانی که نتانیاهو آخرین کابینه خود را تشکیل داد، باید تصمیم می‌گرفت که کدام‌یک از مشکلات اسرائیل را باید در مرکز توجه قرار دهد. آیا اسرائیل باید مبارزه با حماس، حزب‌الله یا ایران را در اولویت قرار می‌داد؟ اما نتانیاهو پس از تفکر بسیار تصمیم گرفت با دادگاه عالی مبارزه کند. اگر بین زانوپی تا اکتبر ۲۰۲۳، کابینه نتانیاهو یک چهارم توجهی را که به تلاش برای تضعیف دادگاه معطوف کرده بود، به حماس معطوف می‌کرد، از فاجعه ۷ اکتبر جلوگیری می‌شد.

پس از ۷ اکتبر و هنگامی که نتانیاهو باید در مورد اهداف جنگ تصمیم می‌گرفت، جای تعجب نیست بار دیگر امنیت در فهرست اولویت‌ها بسیار پایین قرار گرفت. واضح است که اسرائیل برای خلع سلاح حماس باید وارد غزه می‌شد. اما هدف درازمدت جنگ باید ایجاد یک نظم منطقه‌ای مثبت می‌بود تا اسرائیلی‌ها را برای سال‌ها امن نگه‌دارد. چنین نظمی تنهایی نتوانست با تقویت اتحاد بین اسرائیل و دموکراسی‌های غربی و تعمیق همکاری با نیروهای میانه‌رو و عرب ایجاد شود. اما اولویت‌های جنگی که نتانیاهو انتخاب کرد، به جای پرو و بیال دادن به این اتحادها و مشارکت‌ها، یک کمپین انتقام‌گورگورانه بود.

▼ اتاق انعکاس

پس از ۷ اکتبر، مبارزه و شکست حماس ضروری بود، اما می‌شد این کار را بدون کشتن این همه غیرنظامی بی‌گناه و بدون گرسنگی دادن به مردم غیرنظامی انجام داد. ارتش اسرائیل پیروزی‌های زیادی در میدان‌های نبرد به دست آورده و کنترل اکثر مناطق نوار غزه و مسیرهای منتهی به آن را در دست گرفته است. شاید بتوان گفت که در بچوبه نبرد گاهی اوقات جدا کردن غیرنظامیان از مبارزان مسلح دشوار است، اما سوال این است که چه بهانه‌ای برای ممانعت از سرازیر شدن کمک‌های بشردوستانه به غزه وجود داشت؟ برخی استدلال می‌کنند که توزیع ناکارآمد کمک‌ها در غزه و دردی این کمک‌ها توسط عوامل حماس، دلیلی است که منجر به گرسنگی هزاران نفر و هجوم بردن فلسطینی‌ها به کامیون‌های حامل کمک شده است. حتی اگر این توجیحات درست باشد، باز هم اسرائیل می‌توانست آنقدر غذا، دارو و سایر تدارکات را به غزه وارد کند که هیچ مقیاسی از سوءمدیریت یا دردی منجر به گرسنگی نشود. بالاخره دردها با آن همه ذخایر مواد غذایی چه می‌توانند بکنند مگر اینکه مجبور شوند آنها را دوباره به مردم بفروشند؟

برعکس، اگر اسرائیل برای رساندن کمک‌های کافی به غزه مشکل داشت و از آنجایی که مصر و سایر کشورها از پذیرایی از آوارگان فلسطینی خودداری می‌کردند، اسرائیل می‌توانست پناهگاه‌های امنی برای غیرنظامیان فلسطینی در خاک اسرائیل در نزدیکی مرز مصر، در جنوب نوار غزه، ایجاد کند. صدها هزار زن، کودک، سالخورده و پناهنده بیمار از غزه می‌توانستند در این مناطق امن پناه بگیرند. در آنجا، اسرائیل می‌توانست مطمئن شود که آوارگان تمام نیازهای اولیه را دریافت می‌کنند و تا زمانی که جنگ در غزه ادامه داشت، از حمله محافظت می‌شدند. این ایده قبلاً در روزهای اول جنگ توسط بنی‌موریس، بنجامین زی‌کیدار و چندین دانشگاه برجسته اسرائیلی که خطرات پیش‌رو را پیش‌بینی کرده بودند، مطرح شد. چنین اقدامی تعهدات

اخلاقی اسرائیل را برآورده می‌کرد، تأیید بین‌المللی را به دست می‌آورد و همزمان ارتش اسرائیل را قادر می‌ساخت تا با سهولت بیشتری در داخل غزه عمل کند. هنوز هم برای اجرای چنین طرحی دیر نیست.

نتانیاهو همچنان به اسرائیل وعده «پیروزی کامل» می‌دهد، اما حقیقت این است که ما یک قدم با شکست کامل فاصله داریم. هر آنچه که می‌توانست از طریق جنگ به دست آید؛ از جمله بازسازی اعتماد داخلی به ارتش اسرائیل پس از ناکامی ۷ اکتبر، بازسازی بازدارندگی اسرائیل در خارج از کشور و از بین بردن بیشتر قابلیت‌های نظامی حماس، همین حالا به دست آمده است. ادامه جنگ چیزی بیشتر به دست نمی‌دهد. این توهم خطرناکی است که باور کنیم یک پیروزی دیگر، در رفع، باعث فروپاشی حماس، آزادی همه گروه‌گان‌ها و تسلیم شدن دشمنان متعدد اسرائیل می‌شود. هر روز جنگ اضافی فقط در خدمت اهداف حماس و ایران است و انزوای بین‌المللی اسرائیل را تشدید می‌کند.

بخش بزرگی از مردم اسرائیل نسبت به آنچه در حال وقوع است بی‌اطلاع هستند. برای بسیاری از اسرائیلی‌ها، زمان از شش ماه پیش متوقف شده است. رسانه‌های ما هنوز پر از اخبار جدید درباره ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است؛ بدون توجه به اینکه در حال حاضر ما در آوریل ۲۰۲۴ هستیم. البته مهم است که به یاد داشته باشیم و بررسی کنیم که در آن شبه نفرین شده در اسرائیل چه اتفاقی افتاد، اما همچنین مهم است بدانیم که الان در غزه چه می‌گذرد. تمام جهان تصاویر وحشتناکی را می‌بیند که از نوار غزه بیرون می‌آید، اما بسیاری از شهروندان اسرائیلی با جرأت نمی‌کنند نگاه کنند یا همه این تصاویر را تبلیغات فربکارانه می‌دانند. ناپینا شدن افکار عمومی به دولت دست باز می‌دهد تا به ولگردی‌های ویرانی‌های خود ادامه دهد و این کار نهنتها غزه، بلکه آنچه که از جایگاه بین‌المللی و اخلاقی اسرائیل باقی مانده، ویران می‌کند. چگونه می‌توانیم این اتاق انعکاس را که ما را به دام می‌اندازد بشکنیم و ببینیم واقعاً چه اتفاقی در حال وقوع است؟

▼ صدای الهی

در تاریخ، گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که کل جمعیت در یک اتاقک پژواک گیر افتاده و ارتباط خود را با واقعیت از دست می‌دهند. این امر به‌ویژه در طول جنگ‌ها اتفاق می‌افتد. برای مثال، در اوایل اگوست ۱۹۴۵، زمانی که ژاپن منزوی در آستانه شکست قرار گرفت، ژاپنی‌ها برای به دست آوردن آن پیروزی که دولت و رسانه‌ها به آنها وعده داده بودند، به مبارزه ادامه دادند. ژاپنی‌هایی که جرأت می‌کردند غیر از این فکر کنند، به‌عنوان تبلیغ‌کننده شکست محکوم شده و به شدت مجازات شدند و برخی هم اعدام شدند.

آنچه اتاق پژواک ژاپن را شکست، دومب اتمی بود که یکی در هیروشیما در ۶ اوت و دیگری در ناکازاکی در ۹ اوت فرود آمد. در واقع، حتی بمب‌های اتمی نیز کافی نبودند. دخالت الهی هم لازم بود. یک هفته گذشته بود و شهروندان ژاپنی همچنان به پیروزی ایمان داشتند، تا اینکه در ۱۵ اوت ۱۹۴۵، رادیوهای خود را روشن کردند و صدای الهی را شنیدند که با آنها صحبت می‌کرد. برای بسیاری از ژاپنی‌ها، امپراطور هیروهیتو یک خدای زنده بود. تا آن زمان او هرگز مستقیماً با آنها صحبت نکرده بود. هیچ فردی خارج از حلقه داخلی او و بالاترین مقامات ژاپنی اجازه شنیدن صدای هیروهیتو را نداشت. اما یک هفته پس از بمباران هیروشیما و ناکازاکی، دولت ژاپن متوجه شد که هیچ گزینه دیگری جز تسلیم شدن ندارد. دولت ژاپن که قبلاً به شهروندانش وعده پیروزی داده بود، می‌ترسید که تغییر ناگهانی در سیاست را درک نکنند و نپذیرند. حتی بمب‌های اتمی هم نتوانستند این تغییر را توضیح دهند. بنابراین خدای ژاپنی برای مداخله فراخوانده شد.

امپراطور الهی در سخنرانی تاریخی خود توضیح داد: «علی‌رغم انجام بهترین کارها که توسط همه انجام شده، وضعیت جنگ لزوماً به نفع ژاپن نیست. همه روندهای عمومی جهان برخلاف منافع ژاپن بوده است... بنابراین ما تصمیم گرفته‌ایم که راه را برای یک صلح بزرگ هموار کنیم.»

البته اسرائیل سال ۲۰۲۳ ژاپن اوت سال ۱۹۴۵ نیست. اسرائیل به دنبال تسخیر نیمی از جهان نبود و میلیون‌ها نفر را نکشته است. اسرائیل همچنان از برتری نظامی محلی برخوردار است و انزوای بین‌المللی آن هنوز کامل نیست. مهمتر از همه، در منطقه ما سلاح‌های هسته‌ای هنوز مورد استفاده قرار نگرفته است و هنوز زمان برای جلوگیری از وقوع یک هیروشیما در خاورمیانه وجود دارد. اما با وجود همه این تفاوت‌های بزرگ، یک نقطه شباهت نیز وجود دارد. مانند ژاپنی‌ها در سال ۱۹۴۵، بسیاری از اسرائیلی‌ها در سال ۲۰۲۴ در یک اتاقک پژواک گرفتار شده‌اند که در آن به آنها وعده پیروزی داده می‌شود حتی زمانی که در آستانه شکست هستند. چگونه باید این اتاق پژواک را در هم شکست؟ عاقلانه نیست که منتظر بمب اتم باشیم یا خدایی که در رادیو صحبت کند. دولت نتانیاهو که تا این حد شکست خورده، بالاخره باید مسئولیتش را بپذیرد. این دولت نتانیاهو است که دستور کار فاجعه‌باری را که ما را به اینجا رساند، اتخاذ کرد و این دولت اوست که سیاست انتقام‌جویی و خودکشی را در پیش گرفت. وای بر ما اگر همین افراد اکنون اجازه داشته باشند که مهم‌ترین تصمیمات استراتژیک و سیاسی در تاریخ اسرائیل را اتخاذ کنند.

این کابینه به جایی رسیده است که باید مسائل غیرقابل تحمل را تحمل کند، شکست را بپذیرد و بلافاصله استعفا دهد تا شخص دیگری صفحه جدیدی باز کند. ایجاد یک کابینه جدید حیاتی است. کابینه‌ای که با قلب‌نمای اخلاقی متفاوت هدایت شود، به بحران انسانی در غزه پایان دهد و شروع به بازسازی جایگاه بین‌المللی ما کند. اگر سیاست خود را در قبال فلسطینی‌ها تغییر ندهیم، محبور خواهیم شد به تهایی با ایران روبه‌رو شویم.

دیپلمات‌ها



احضار سفیر سوئیس به سپاه پاسداران تکذیب شد

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به اظهارنظر مشاور وزیر کشور در خصوص احضار سفیر سوئیس به سپاه پاسداران پس از پاسخ نظامی ایران به اسرائیل گفت: «اظهارنظر ایشان را مقامات ذی‌ربط تکذیب کردند.» به گزارش ایسنا، ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سوالی در مورد گفت‌وگوهای انجام‌شده در مورد لغو تحریم‌ها در جریان سفر وزیر خارجه به نیویورک گفت: «جمهوری اسلامی ایران همواره از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای بی‌اثر کردن و رفع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان استفاده کرده و از چارچوب‌های دیپلماتیک که تأمین‌کننده منافع ملی ایران است، کناره‌گیری نکرده است.» کنعانی با بیان اینکه طرفی که زیر میز دیپلماسی زد، آمریکا بود نه ایران، گفت: «شرکای آمریکا در حوزه پر جام نیز نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند.»

وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران در این مدت در مسیر بی‌اثرسازی تحریم‌ها حرکت کرده و در این زمینه نیز توفیق‌های زیادی داشته است، گفت: «از طرف دیگر ما تلاش کرده‌ایم که از تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک برای احقاق حقوق ملت ایران استفاده کنیم و طبیعتاً در نشست‌های بین‌المللی و دیدارها با طرف‌هایی که در موضوع پر جام می‌توانند ایفای نقش کنند یا اساساً نقش تعریف‌شده‌ای در این زمینه دارند این موضوع مطرح می‌شود.» کنعانی گفت: «سازمان ملل و دیدارهایی که در جریان آن انجام می‌شود، همواره فرصتی است که موضوع رفع تحریم‌ها نیز در آن مطرح شود.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا در مورد حوادث اصفهان و اتفاق رخ داده در بامداد جمعه بین ایران و آمریکا پیامی منتقل شده است؟ گفت: «آنچه که انجام شد حتی اسمش را نمی‌توانیم عملیات بگذاریم. یک اقدام ایدایی بود که ما مشابه آن را نیز پیش از این مشاهده کرده بودیم.» وی با بیان اینکه رژیم صهیونیستی و هیچ طرف دیگری مسئولیت این موضوع را قبول نکرده‌اند، ادامه داد: در این زمینه سیستم دفاعی ایران به صورت حرفه‌ای عمل کرد و طرف اقدام‌کننده به هیچ سطحی از اهداف خود دست پیدا نکرد و یک اقدام بی‌ارزش از نظر نظامی بود. کنعانی در پاسخ به اصرار سخنان خبرنگار پرسش‌کننده گفت: «این موضوع ارزش پیگیری در این سطح را نداشت.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در ادامه گفت‌وگوی خود با خبرنگاران در پاسخ به سوالی در رابطه با برخی اظهارنظرها مبنی بر اینکه در پی عملیات وعده‌صادق برای انتقال پیام ایران به آمریکا سفیر سوئیس به سپاه احضار شده نه وزارت خارجه و آیا شما این خبر را تایید می‌کنید و اگر تایید می‌کنید آیا این به معنای ضعیف شدن جایگاه دستگاه دیپلماسی نیست؟ خاطر نشان کرد: «اظهارنظر ایشان را مقامات ذی‌ربط تکذیب کردند.» وی ادامه داد: «کشور سوئیس مهم‌ترین کاتال انتقال پیام‌های دیپلماتیک بین ایران و آمریکا بوده و ارتباط مستمری بین دستگاه دیپلماسی با سفیر سوئیس در ایران وجود دارد.» کنعانی تصریح کرد: «دستگاه دیپلماسی در این زمینه به صورت حرفه‌ای و در چارچوب دیپلماتیک عمل کرده و می‌کند.» سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به سوالی درباره رایزنی‌های تلفنی اخیر حسین امیرعبداله‌پناب با هاکان فیدان هم‌تای ترکیه‌ای خود و اینکه آیا ترکیه در موضوعات منطقه‌ای در مدت اخیر بین ایران و آمریکا به تبادل پیام پرداخته و میانجیگری کرده است؟ گفت: «نمی‌توانم تایید کنم که ما از طریق ترکیه اقدام به ارسال پیام کرده‌ایم.» وی گفت: «دولت آمریکا در این سه هفته اخیر با توجه به پیچیدگی‌های تحولات و عزم جدی ایران برای پاسخ قطعی به متجاوز، پیام‌های متعددی را از کاتال‌های مختلف دیپلماتیک ارسال کرده و پاسخ‌های لازم را از مسیر کاتال‌ها دریافت کرده است.»